



The Anthropology of Ritual Servitude: Iraqi Volunteers in the Arba'een Pilgrimage

Zahra Zare¹ 

1. Assistant Professor, Department of Anthropology, Research Institute of Cultural Heritage and Tourism, Tehran, Iran

E-mail: z.zare@richt.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 2025-05-29

Received in revised form:
2025-07-23

Accepted: 2025-08-21

Published online: 2025-10-30

Keywords:

Arba'een Pilgrimage, Lived Experience, The Sacred, Arba'een Identity, Honor of service, Ritual Servitude

ABSTRACT

Purpose- The Arba'een pilgrimage stands as one of the most significant encounters of Shi'a society with the sacred. It is deeply intertwined with the rituals, traditions, and culture of Iraqi Shi'as—and even a considerable portion of the broader Iraqi population. Today, with the increasing number of pilgrims from around the world, particularly Iran, this ritual has become a space for new human interactions, carrying important cultural, social, political, and economic functions. Thus, conducting research to understand and analyze this phenomenon and its implications is essential. Moreover, a systematic scientific study of the interactions between Iranian pilgrims and Iraqi hosts is possible through an understanding of the host society's culture and alignment with its characteristics. The present research seeks to focus on the interactions between these actors to uncover and describe the underlying meanings within their cultural framework.

Methodology- This study adopts a qualitative, descriptive-analytical approach, employing three data collection tools: open and conversational interviews, participatory and active observation, and field notes. It aims to examine the central ethos of this ritual for Iraqi servants—namely, the "honor of service." To this end, over 30 targeted and randomized interviews were conducted. Using thematic analysis, the researcher identified and categorized primary and secondary themes emerging from participants' lived experiences. This paper examines the lived experience of Iraqi society within the ritual context of Arba'een, focusing on the emotions, thoughts, perceptions, and interpretations that emerge among its actors through ritual engagement. Centering on "serving the pilgrims of Imam Hussein"—a cornerstone of Iraq's spiritual experience—we employ interpretive anthropology to analyze religious and cultural practices while deciphering the cognitive framework through which Iraqi actors perceive and engage with the sacred.

Findings- The findings reveal five core themes that explain the sanctity and significance of serving and hosting Arba'een pilgrims:

1. Perception of the Sacred and Encounter with It
2. Serving the Pilgrims of Imam Hussein as an Honor
3. Divine Blessings and Life Prosperity as Fruits of Hosting
4. The Emergence of an Arba'een Identity Discourse and the Suspension of Social Hierarchies
5. The Suspension of Instrumental Rationality in the Process of Servant-Activism

The secondary themes emerging from the research include:

A spiritual connection with Imam Hussein (AS) and devotion to him,
A sense of awe toward Imam Hussein (AS),
Feelings of tranquility, joy, and divine proximity,
The sanctity of the pilgrim as a guest of Imam Hussein (AS),
Belief in the Imam's intercession and divine succor,
Miraculous occurrences and divine graces during service to pilgrims,
The provision of both material and spiritual sustenance during Arba'een,
The fulfillment of material and spiritual needs,
Intra-cultural connections,
Transcultural bonds,
Transnational rituals,
The reproduction of a culture of generosity and self-sacrifice (Mawāsāt),
The rejection of hedonism and worldly utilitarianism,
And an overwhelming sense of the Imam's spiritual attraction (jazba) and grace toward the servants

Cite this article: Zahra, Z. (2025). The Anthropology of Ritual Servitude: Iraqi Volunteers in the Arba'een Pilgrimage. *Iranian Journal of Anthropological Research*, 15(27), 177-197. Doi: [10.22059/ijar.2025.396321.459921](https://doi.org/10.22059/ijar.2025.396321.459921)



کنشگری خدمت در تجربه زیسته کنشگران عراقی زیارت اربعین

زهرا زارع^۱

۱. استادیار پژوهشکده مردم‌شناسی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران رایانامه: z.zare@richt.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

هدف: آیین زیارت اربعین، از بارزترین جلوه‌های مواجهه جامعه شیعی با امر قدسی به شمار می‌رود و با آداب و رسوم، و به عبارتی زیست‌جهان شیعیان عراق و در نگاهی گسترده‌تر، بخش قابل توجهی از مردم آن سرزمین گره‌خورده است. امروزه با افزایش زائرانی از سرتاسر دنیا و به ویژه شمار گسترده زائران ایرانی، عرصه بروز مناسبات انسانی جدیدی است که کارکردهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مهمی را در پی داشته و اهمیت انجام پژوهش به‌منظور شناخت و تحلیل این پدیده و کارکردهای آن بر کسی پوشیده نیست. وانگهی مطالعه علمی و بررسی روشمند نوع مناسبات زائران ایرانی و میزبانان عراقی و تبیین چگونگی تعاملات آنها، در پرتو شناخت فرهنگ جامعه میزبان و هماهنگی با ویژگی‌های آن، امری بایسته به نظر می‌رسد. پژوهش حاضر با منطقی استقرایی بر تعاملات بین این کنشگران تمرکز کرده تا معانی نهفته در فرهنگ را کشف و توصیف کند.

روش‌شناسی: تحقیق پیش رو از سنخ تحقیق کیفی، و از نوع توصیفی-تحلیلی است و در گردآوری داده‌ها از سه ابزار مصاحبه باز و محاوره‌ای، مشاهده مشارکتی و فعال و نیز یادداشت‌های میدانی بهره گرفته‌ایم و می‌کوشیم زوایای کنش محوری این آیین برای خادمان عراقی را که عبارت است از شرافت خدمت، در تجربه زیسته این کنشگران بازکاوی نماییم. برای نیل به این مقصود، بیش از ۳۰ مصاحبه بر مبنای نمونه‌گیری هدفمند و به صورت تصادفی انجام شده و پژوهشگر با استفاده از روش تحلیل مضمون و دسته‌بندی الگوهای معنایی از دل مجموعه داده‌ها، به کشف درون‌مایه‌های اصلی و فرعی از خلال تجربه زیسته مشارکت‌کنندگان پرداخته و آنها را صورت‌بندی نموده است.

یافته‌ها: یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که پنج درون‌مایه اصلی را به عنوان مؤلفه‌های اساسی علل قداست و اهمیت خدمت‌رسانی و پذیرایی از زائران اربعینی برشمرد که عبارتند از: ادراک امر قدسی و مواجهه با آن، خدمت به زائران امام حسین به مثابه شرافت، برکت و گشایش زندگی ثمره میزبانی، ظهور گفتمان هویت اربعینی و تعلیق سلسله مراتب اجتماعی و تعلیق عقلانیت ابزاری در فرایند کنشگری خدمت. همچنین عمده مضامین فرعی برآمده از تحقیق عبارتند از: اتصال معنوی با امام حسین(ع) و محبت به ایشان، احساس خشیت نسبت به امام حسین(ع)، احساس آرامش و بهجت و تقرب به خداوند، قداست زائر به عنوان مهمان امام حسین(ع)، باور به شفاعت و دستگیری امام، کرامات و رخدادهای معجزه‌وار در طی خدمت به زوار، تأمین رزق مادی و معنوی سال در اربعین، برآورده شدن حاجات مادی و معنوی، ارتباطات درون فرهنگی، پیوندهای میان فرهنگی، مناسک فرامآییتی، بازتولید فرهنگ بخشش و ایثار (مواسات)، طرد لذت‌محوری و سودگرایی دنیوی و حس جذب و عنایت امام حسین(ع) به خادمان.

کلیدواژه‌ها:

زیارت اربعین، تجربه زیسته، کنشگران عراقی، امر قدسی، هویت اربعینی

استناد: زارع، زهرا. (۱۴۰۴). کنشگری خدمت در تجربه زیسته کنشگران عراقی زیارت اربعین، پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، ۱۵ (۲۷)، ۱۷۷-۱۹۷.

Doi: [10.22059/ijar.2025.396321.459921](https://doi.org/10.22059/ijar.2025.396321.459921)



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

مقدمه

به دنبال گشایش‌های سیاسی برای شیعیان در عراق پس‌اصدام، زیارت اربعین، به مثابه یکی از جامع‌ترین جلوات مواجهه شیعیان با امر قدسی در عصر حاضر به شمار می‌رود و با آداب و رسوم و زندگی شیعیان عراق و در نگاهی گسترده‌تر، بخش قابل توجهی از مردم آن سرزمین، فارغ از هویت‌های دینی، فرقه‌ای و قومی گره‌خورده است و سخن به گزاف نگفته‌ایم اگر بگوییم که اربعین در عراق، تنها مناسکی مذهبی و آئینی نیست و ریشه‌های عمیقی در فرهنگ این جامعه دارد به نحوی که در سال‌های اخیر، سنت مشایه (پیاده‌روی اربعین) در عراق چنان محوریت یافته است که بسیاری از شیعیان عراق، تقویم مالی زندگی‌شان را بر اساس آن تنظیم می‌کنند؛ یعنی مردم عراق در تمام طول سال در صندوقی به نام "صندوق امام حسین(ع)" پول پس‌انداز می‌کنند تا در ایام اربعین برای میزبانی از زائران حسینی هزینه کنند.

وانگهی، با عنایت به اینکه پرشمارترین زائران غیرعراقی آیین زیارت اربعین، ایرانیان هستند، مطالعه علمی و بررسی روشمند نوع مناسبات زائران ایرانی و میزبانان عراقی و تبیین چگونگی تعاملات آنها در پرتو شناخت فرهنگ جامعه میزبان، و تطورات تاریخی و سیاسی تعاملات ایرانیان با مردم عراق، امری بایسته به نظر می‌رسد؛ چراکه «اینک زیارت اربعین، زمان و زمینه‌ای منحصر به فرد برای ترمیم و بازسازی شکاف‌ها و گسل‌های کهنه به دست داده و هم‌گرایی فرهنگی-سیاسی، نظامی و اقتصادی میان دو ملت ایران و عراق را تقویت بخشیده است و از آنجا که فرهنگ، مؤلفه‌ای بس خطیر در این عرصه است که می‌تواند نقشی دوگانه ایفا کند، اگر از مفهوم وسیع فرهنگ و مشترکات فرهنگی و ابعاد اجتماعی و عرفی آن غفلت شود، این رخداد آیینی بیش از آنکه مایه تعامل و پیوند و انسجام دو جامعه باشد، می‌تواند به محرکی برای تقابل و جدایی آنها تبدیل شود» (شکرچی، ۱۳۹۶، ۷۷)؛ لذا شناخت هرچه بیش‌تر جامعه عراق به عنوان فرهنگ میزبان و هماهنگی با ویژگی‌های آن، بسی ضروری است. پژوهش حاضر با منطقی استقرایی بر تعاملات بین این کنشگران تمرکز کرده تا معانی نهفته در فرهنگ را کشف و توصیف کند. این مشاهدات و نتایج تحلیلی، موجبات فراهم نمودن تحلیل تغییرات و تطورات مناسکی و گفتمانی و نیز تحلیل نقاط قوت و چالش‌های احتمالی این رخداد فرهنگی بزرگ را به دنبال خواهد داشت.

خاطر نشان می‌کنیم که فرهنگ، ساختاری پیچیده و توپرتو است که بر تمام جنبه‌های زندگی بشری تأثیرگذار است و تجربه زیسته ما، محصول تعامل بین فرهنگ و تجربیات فردی ما است. به دیگر بیان، فرهنگ و تجربه زیسته رابطه‌ای متقابل و پویا دارند. تجربه زیسته به عنوان نیروی محرکه، فرهنگ را به سمت تغییر و تحول سوق می‌دهد و این رابطه متقابل و پویا، موجب می‌شود که فرهنگ به طور مداوم در حال تکامل و سازگاری با شرایط جدید باشد. تجربه زیسته با نوآوری و تغییرات فرهنگی، تقویت یا تضعیف ارزش‌ها، توسعه زبان و نمادها، و شکل‌گیری نهادهای اجتماعی می‌تواند بر فرهنگ تأثیرات عمیقی نهد. دانسته است که در تحقیقات کیفی، از تجربه زیسته افراد برای درک عمیق‌تر پدیده‌های اجتماعی و انسانی استفاده می‌شود. از این رو، در این نوشتار، تجربه زیسته جامعه عراق از بستر مناسکی اربعین را کاویده‌ایم و این تجربه معنوی را که شامل احساسات، افکار، برداشتها و تعبیری است که فرد در مواجهه با رویدادهای مختلف مناسکی کسب می‌کند، در بستر «خدمت به زائران حسینی»-که رکن تجربه معنوی جامعه عراق است- بررسی کرده‌ایم تا بتوانیم به مدد روش انسان‌شناسی تفسیری به توضیح و تبیین کنش‌های دینی و فرهنگی و نیز فهم الگوی ادراکی کنشگران عراقی در مواجهه و تجربه امر قدسی بپردازیم.

خاطر نشان می‌کنیم که کنشگران در آیین‌های اربعین را در یک دسته‌بندی کلی می‌توان به زائر و خادم الزائر (میزبان) تقسیم کرد. البته خدام عراقی، خود از زائران زیارت اربعین نیز به شمار می‌روند لیکن این کنشگران که در «موکب‌ها و مضیف‌ها» ارتباط خویش و باورمندی با ذات قدسی (امام حسین علیه‌السلام) را به تصویر می‌کشند، «خدمت به زوار» را اوج اتصال معنوی با امر قدسی

می‌دانند و میان خود و امر قدسی یک نظام معنایی برمی‌سازند؛ معنایی که از طریق خدمت به زائران طریق بر ساخته می‌شود و هویت منحصر به فردی برای آنان خلق می‌کند. فهم این الگوی ادراکی هدف این مطالعه بوده است.

پیشینه تحقیق

مناسک اربعینی، نظر به اصل سیالیت آیین‌ها و گستردگی روزافزون و اقبال میلیونی زائران، امروزه عرصه بروز مناسبات انسانی جدیدی است و این مناسبات و تعاملات کارکردهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مهمی را در پی داشته است. از این رو، اهمیت انجام پژوهش به منظور شناخت و تحلیل این پدیده و کارکردهای آن بر کسی پوشیده نیست. پیرامون این موضوع تاکنون تحقیقات بسیاری با رویکرد اجتماعی به رشته تحریر درآمده است و کتب، مقالات و پایان‌نامه‌هایی نگاشته شده و همایش‌هایی علمی نیز پیرامون این رخداد دینی برگزار شده است. پیشتر کریم رضادوست و مرضیه شهریاری (۱۴۰۱، ۶۲-۶۴) در مقاله بررسی پتانسیل و بسترهای مناسک زیارتی بر اساس فهم نظام معنایی مشارکت‌کنندگان در پیاده روی اربعین به طور مبسوط این مطالعات انجام شده در حوزه اربعین را تقسیم‌بندی و گزارش کرده‌اند.

اما در حوزه بحث ما، پیشتر احمد شکرچی در مقاله "میزبانان اربعین" در مجموعه مقالات پیاده روی اربعین: تأملات جامعه‌شناختی (۱۳۹۶)، در مقیاس کوچکی به ابعاد آسیب‌شناسانه ورود زائران ایرانی و غیرایرانی پرداخته است. گفتنی است که برخلاف این رویکرد، نوشتار پیش‌رو نگاهی مبتنی بر پدیدارشناسی تفسیری اراده کرده است. محمدرضا پویافر در مقاله "از نهادی شدن آیین اربعین تا عرفی شدن امر قدسی" و نیز در کتاب آیین‌نیک، زیارت اربعین را با مفهوم خیر دینی پیوند داده است و الگوی تجربه خیر دینی را هم در سپهر ایرانی و هم در سپهر عراقی کاویده است.

مجموعه مقالات روایت پیاده‌روی اربعین اثر شاخص دیگری در حوزه مطالعات اربعین است که با رویکردی جامعه‌شناسانه و مردم‌شناسانه توسط محمدرضا جوادی یگانه و محمد روزخوش درفصول زیر تدوین شده است: «روایت تطبیقی»، «تحلیل اجتماعی»، «روایت فرهنگی»، «روایت توصیفی» و «روایت جاماندگان» و نیز مجموعه مقالات مدنیت، عقلانیت و معنویت در بستر اربعین به کوشش مسعود معینی پور درباره هویت و چیستی این مراسم مذهبی شیعیان جهان است. در میان این مقالات، که کم و بیش به مقوله خدمت‌رسانی کنشگران عراقی اشاره کرده‌اند، مقاله "فهم عراق از دریچه تجربه زیسته زائران عراقی اربعین" نوشته محمدتقی کرمی تا حدی همسو با نگاه این پژوهش است و می‌کوشد الگوی نظری مستقلی برای فهم و تفسیر واقعیت‌های اجتماعی جامعه هدف ارائه کند.

اگرچه پژوهشگر از یافته‌های این تحقیقات و نیز دیگر پژوهش‌ها بهره‌مند بوده است، لیکن رویکرد اتخاذ شده در پژوهش حاضر مبتنی بر ادراک مستقل از تجربه زیسته کنشگران عراقی این آیین از زاویه دید مردم‌شناسی خواهد بود.

ملاحظات مفهومی

کنشگران آیینی

«زیارت به عنوان یکی از شاخصه‌ها و به نوعی بروز و تجلی عملی دین‌ورزانه در تمامی جوامع قابل مطالعه است. این کنش در گذر از تجربه تجدد، تغییرات نه ماهوی، بلکه عینی^۱ داشته است. زیارت مقوله‌ای انتزاعی است که بدون وجود زائر، معنا و وجود خارجی

^۱ - objective

نمی‌یابد. بنابراین، زائر، کنشگری است که انتزاع زیارت را به صحنه عمل آورده و آن را متجلی می‌سازد» (اکبری و دیگران ۱۳۹۹، ۸۰). مناسک اربعین، حول کنش "زیارت" توصیف شدنی است و زیارت مانند هر کنش انسانی دیگری تا حد زیادی تابعی است از انگیزه‌ها، نگرش‌ها و نیازهای زائران درمقام کنشگران دینی و همچنین ارزش‌ها، هنجارها و قوانین حاکم بر محیط اجتماعی به‌علاوه ظرفیت‌ها و امکانات و تسهیلات تعبیه‌شده در مورفولوژی اجتماعی.

شرکت‌کنندگان یا کنشگران در آیین‌های اربعین را می‌توان به زائر و خادم‌الزائر (میزبان) تقسیم کرد. خادمان یا میزبانان اربعین در موبک‌ها و منازل و محبت‌ها به‌صورت شبانه‌روزی در حال خدمت‌رسانی هستند و اگرچه ظاهراً حضور مردان غالب است ولی زنان نیز در این امر مشارکت جدی دارند و حضور آنان بیشتر به‌صورت پشتیبانی از خدمات می‌باشد. همه اقشار و طیف‌های سنی در این میزبانی سهیم‌اند و بسیار دیده می‌شود که موبک‌ها توسط جمعی از جوانان و با نظارت و اشراف بزرگان و پیران آنان اداره می‌شود. حتی کودکان نیز در ارائه خدمات مختلف به زوار مشارکت جدی دارند: از مالیدن عطر و ادکلن به دستان و لباس زوار تا توزیع دستمال کاغذی یا پخش غذا، میوه، خرما و آب.

امر قدسی

«برابر واژه "مقدس/ قدسی" در زبان انگلیسی دو کلمه "SACRED" و "HOLY" است. کلمه "SACRED" از لحاظ لغوی به معنای مقدس، روحانی، خاص و مینوی است و متضاد آن کلمه "Secular" است که به معنی دنیوی، گیتیانه، عرفی، غیر روحانی و غیر دینی است. واژه دیگر متضاد با "Sacred"، کلمه "Profane" است که به معنی کفرآمیز، زشت، دنیوی و بی‌حرمتی کردن به خدا و مقدسات است؛ مثلاً سیگار کشیدن در کلیسا، مسجد، حرم و معبد یک عمل نامقدس و بی‌حرمتی کردن به خدا و مقدسات به شمار می‌رود» (دلا تامپسون^۱، ۲۰۰۰). رودلف اتو، فیلسوف و متکلم آلمانی (۱۹۳۷-۱۸۶۹م)، از عبارت Numinous به معنی "مقدس"، بهره می‌گیرد. از نگاه او، امر قدسی تنها در معنای مضیق فلسفی (امر متعالی) و مدلول اخلاقی (خیر) محدود نمی‌شود و موضوعی ورای اینهاست. بنا بر رأی او، «اساس و شالوده دین تجربه امر قدسی است و نکته گفتنی آنکه به رغم اینکه اتو از فراعقلی بودن^۲ امر قدسی سخن می‌گوید، برآن است که «امر قدسی به زبان درمی‌آید و تجلیاتی برونی دارد» (اتو^۳، ۱۹۲۳: ۱۲-۱). بدین‌سان «هر حرم، کلیسا، مسجد و یا کنیسه تجسمی عینی و مادی است از این جدایی امر دینی (قدسی) از امور دیگر. قدسی یا مقدس کنایه از جهان خارج یا زمانه حاضر و رسوم و تعلقات آن است. این جداسازی عمیق و سراسری به صور متعدد نهاده شده و جا افتاده است؛ چنانکه شعائر مقدس، روزهای مقدس، حریم و حرم‌های مقدس، شیوه خاص زندگی و پوشاک دینی و ... داریم» (کینگ، ۱۳۷۵، ۸۲).

تجربه زیسته^۴

یکی از مفاهیم هرمنوتیک ویلهلم دیلتای^۵ (۱۸۳۳-۱۹۱۱م) فیلسوف آلمانی، تجربه زیسته است. «تجربه زیسته (در مقابل تجربه تحصیلی)، ترجمه das Erlebnis در زبان آلمانی است، و کلمه «تجربه» در زبان آلمانی هم‌ریشه با فعل زیستن (leben) است و صورت مؤکد آن دال بر بی‌واسطگی خود زندگی در مواجهه ما با آن است» (پالمر، ۱۴۰۱: ۱۱۹). تجربه زیسته، واحد بنیادین معناسازی انسان است که در بافتار تاریخی-فرهنگی شکل می‌گیرد و «به نحو بی‌واسطه حاصل می‌شود و ارتباط وثیقی با خودآگاهی

^۱ Della Thompson

^۲ - supra- rational

^۳ Otto

^۴ - Lived Experience

^۵ - Wilhelm Dilthey

دارد. از نظر ديلتای تجربه زیسته، تجربه به عام‌ترین معنا است و مشتمل است بر رابطه درون و بیرون که پیوستگی اولیه حیات نفسانی یا درونی را آشکار می‌سازد؛ در واقع فهم حیات نفسانی و حالات و ظهورات آن با تجربه زیسته صورت می‌گیرد و این تجربه از این حیث، درکی شهودی است که از کل (حیات) به اجزا (حالات و ظهورات حیات) می‌رسد» (ماکریل^۱، ۱۹۹۸: ۲۱۸۲). «چنین تجربه‌ای با تحقق در یک فرد انسانی برای سایر انسانها هم فهم شدنی است؛ چراکه برخلاف پدیده‌های فیزیکی با برخورداری از طبیعت بشری می‌توان باطن این آثار و افعال را شناخت. از این رو، فهم عبارت است از فهم انسانی در درون انسانی دیگر بر پایه ماهیت مشترک انسانی» (دیلتای، ۱۳۸۸، ۱۶۰-۱۶۱).

از منظر دیلتای، «علم انسان‌شناسی است که در پی فهم مجموعه تجربه‌های زیسته طبق شبکه ساختاری آن‌هاست» (دیلتای ۱۳۸۹، ۳۴۲). از سوی دیگر، بر اساس رویکرد پدیدارشناسی، برای فهم پدیده‌ها و پی بردن به ماهیت آنها، تجربه زیسته و معانی ذهنی الصاق شده توسط کنشگران به پدیده‌ها به کار می‌آید.

بیان مسئله

کنش‌های انسانی را بر اساس نظام معنایی و فرهنگی جامعه‌ای که به آن تعلق دارند، می‌توان تجزیه و تحلیل کرد و مناسک و شعائر دینی عبارت است از نظام معنایی گسترده‌ای که نحوه زیست اجتماعی و فرهنگی افراد جوامع مختلف را ترسیم می‌کند. برای پی بردن و کشف این نظام معنایی حاکم بر جامعه، فهم تجربه زیسته کنشگران ضرورتی اجتناب ناپذیر است و با توجه به اینکه در روش پدیدارشناسی، تجربیات، برداشتها و احساسات افراد مطالعه می‌شود، نگارنده می‌کوشد با به کارگیری رویکرد پدیدارشناسی توصیفی به ارائه آینه‌سان ادراکات، ذهنیات و کنش‌های میزبانان و خادمان اربعین همت گمارد و در گام بعد، به مدد روش انسان‌شناسی تفسیری به توضیح و تبیین کنش‌های دینی و فرهنگی جامعه عراق بپردازد. مسئله اساسی تحقیق آن است که تجربه زیسته کنشگران عراقی به مثابه میزبانان اربعین و نظام معنایی و فرهنگی حاکم بر آنها چگونه قابل تبیین است؟

باورها، ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی مرتبط با میزبانی در اربعین، چگونه کنش‌ها و تعاملات میزبانان عراقی با زائران (به‌ویژه زائران ایرانی) را شکل می‌دهد؟

زیست‌جهان شیعیان عراق چگونه بر مفهوم‌پردازی و اجرای نقش میزبانی در اربعین توسط کنشگران عراقی تأثیر می‌گذارد؟ این مطالعه به ویژه بر این نکته تأکید می‌کند که کنشگری خدمت چگونه به عنوان یک عمل آئینی مرکزی، ارتباطات بین‌الذهانی میان شرکت‌کنندگان را واسطه قرار داده و ریشه در باورهای عمیق پیرامون امر قدسی و استعلائی دارد.

روش تحقیق

تحقیق پیش رو از سنخ تحقیق کیفی، و از نوع توصیفی-تحلیلی است. در این پژوهش، روش گردآوری شواهد و داده‌ها بدین ترتیب صورت پذیرفته است:

الف) گردآوری داده‌ها به صورت مستقیم و با مشاهده مشارکتی مردم‌نگار: در این روش، حضور و مشارکت در پیاده‌روی اربعین در سه نوبت متوالی از طریق سفر زمینی و هوایی در طی سال‌های ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۳ شمسی صورت گرفته و بدین منظور رفتارهای کنشگران اربعین و عناصر محوری آیین شناسایی و تحلیل شده است.

¹ Makkreel

در این تحقیق از روش ژرفانگر مبتنی بر مشاهده عمیق مدد گرفته‌ایم و به سبب ماهیت آن، روش پنهانگر که کمی و آماری و پیمایشی است، در آن لحاظ نشده است. این پژوهش با استفاده از روش تحلیل مضمون (تماتیک)^۱ و دسته‌بندی الگوهای معنایی از دل مجموعه داده‌ها، به کشف درون‌مایه‌های اصلی و فرعی از خلال تجربه زیسته مشارکت‌کنندگان پرداخته و آنها را صورت‌بندی نموده است و مدعای تعمیم تحلیلی - و نه آماری - دارد.

از آنجاکه در روش تحلیل تماتیک، بین دو سطح "معنایی" و "پنهان" داده‌ها تمایز بایستی قائل بود (براون و کلارک^۲، ۲۰۰۶: ۷۷)، پژوهش حاضر می‌کوشد که به کشف تم‌های پنهان و فهم از بطن گفت‌وگوها نیز نائل آید.

ب) انجام مصاحبه: به منظور شناخت دقیق‌تر وضعیت رفتارها، خرده‌فرهنگ‌ها و فهم زائران، مصاحبه‌های باز و محاوره‌ای انجام شده است و به منظور جمع‌آوری داده‌ها، از تکنیک مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انفرادی و گروهی استفاده شده و طی انجام مصاحبه‌ها، پرسش‌ها جرح و تعدیل شده و با اجازه مشارکت‌کنندگان، مصاحبه‌های آنان ضبط و سپس پیاده‌سازی و کدگذاری شده است. در مصاحبه‌های باز نیز این امکان به مشارکت‌کنندگان داده شده تا تجربه زیسته خود را توصیف و گاه حتی تفسیر کنند. گفتنی است غالب مصاحبه‌شوندگان عراقی مشارکت‌کننده به زبان فارسی تسلط داشته و از این رو، متن گفت‌وگوها به فارسی در مقاله منعکس شده است.

در باب چارچوب نظری^۳ یا چارچوب مفهومی^۴ پژوهش، باید در نظر داشت که پیچیدگی پدیده‌های انسان‌شناختی به گونه‌ای است که غالباً نظریه واحدی نمی‌تواند به طور جامع یک پدیده دوجوه را تبیین نماید، به‌ویژه در تحلیل‌ها از زیارت اربعین که حقیقتی است با اضلاع وجودی بسی گسترده و محقق برای نیل به یک گفتمان علمی^۵، گذشته از ملحوظ داشتن پارادایم تفسیری، در تجزیه و تحلیل داده‌ها از آراء اندیشمندان و دین‌پژوهانی چون رودلف اتو^۶ (۱۹۳۷-۱۸۶۹م)، میرچا الیاده^۷ (۱۹۰۷-۱۹۸۶م) برای تبیین مواجهه کنشگران با امر قدسی و استعلایی و از مباحث انسان‌شناسی تفسیری کلیفورد گیرتز^۸ (۲۰۰۶-۱۹۲۶م)، ناظر به تفسیر و تبیین نشانه‌شناختی کنش‌ها بهره گرفته است؛ بدین معنا که «انسان‌شناسی همواره و ملازم با توصیف عمیق^۹ است. هدف انسان‌شناسی این نیست که صرفاً ساخت یک قبیله یا طایفه، اجزای صرف یک آیین را وصف کند؛ بلکه وظیفه آن این است که معانی را دریابد و معانی ورای آنچه را مردم انجام می‌دهند یعنی مفاد همه زندگی و تفکر آنها درباره آیین‌ها، ساختها و عقاید را کشف کند» (پالس، ۱۳۹۴، ۳۳۹-۳۴۰).

نظر به اینکه جامعه آماری تحقیق از حیث تعداد و پراکندگی بسیار گسترده بوده است، تمرکز اصلی پژوهشگر بر فهم الگوی ذهنی کنشگران عراقی در مسیر اصلی مشایه یعنی جاده نجف به کربلا که معروف به «طریق الحسین» (طریق الجنه) بوده است که معرف جامعه مورد نظر است. وجه این انتخاب آن بوده که عمده حسینی‌ها و موکب عراقی در این مسیر جای گرفته‌اند و پژوهشگر در ضمن مشاهده مشارکتی، از امکان برقراری ارتباط با جامعه محلی و میزبانان عراقی برخوردار بوده است.

1- Thematic analysis

2 Braun & Clarke

3- Theoretical Framework

4- Conceptual Framework

5- Scientific Discourse

6- Rudolf Otto

7- Mircea Eliade

8- Clifford Geertz

9- Thin Description

درون‌مایه‌های اصلی و فرعی برآمده از پژوهش

به منظور نیل به فهم و ادراک این کنشگران در گام نخست، ۱۸ مصاحبه با میزبانان و خادمان عراقی و در گام بعد گفت‌وگو با تنی چند از دست‌اندرکاران ستاد مرکزی اربعین و آگاهان و مطلعان از فرهنگ عراق صورت پذیرفت که این مصاحبه‌ها درمجموع به بیش از ۳۰ مصاحبه رسیده است که بر مبنای نمونه‌گیری هدفمند به صورت تصادفی و فرآیند مصاحبه نیمه ساختاریافته انجام شد و پس از کدگذاری مضامین کلی حاصل شد. پس از تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده، یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که پنج درون‌مایه اصلی را به عنوان مؤلفه‌های اساسی علل قداست و اهمیت خدمت‌رسانی و پذیرایی از زائران اربعینی در مصاحبه با مردم عراق می‌توان از خلال مشاهدات میدانی، مصاحبه‌ها و گفت‌وگوهای پراکنده انجام شده برشمرد که عبارتند از:

۱- ادراک امر قدسی و مواجهه با آن، ۲- خدمت به زائران امام حسین به مثابه شرافت، ۳- برکت و گشایش زندگی ثمره میزبانی، ۴- ظهور گفتمان هویت اربعینی و تعلیق سلسله مراتب اجتماعی، ۵- تعلیق عقلانیت ابزاری در کنشگری خدمت.

همچنین عمده مضامین فرعی برآمده از تحقیق عبارتند از:

- ❖ اتصال معنوی با امام حسین(ع) و محبت به ایشان
- ❖ احساس خشیت نسبت به امام حسین(ع)
- ❖ احساس آرامش و بهجت و تقرب به خداوند
- ❖ قداست زائر به عنوان مهمان امام حسین(ع)
- ❖ باور به شفاعت و دستگیری امام
- ❖ کرامات و رخدادهای معجزه‌وار در طی خدمت به زوار
- ❖ تأمین رزق مادی و معنوی سال در اربعین
- ❖ برآورده شدن حاجات مادی و معنوی
- ❖ ارتباطات درون فرهنگی
- ❖ پیوندهای میان فرهنگی
- ❖ مناسک فرامیلتی
- ❖ بازتولید فرهنگ بخشش و ایثار(مواسات)
- ❖ طرد لذت‌محوری و سودگرایی دنیوی
- ❖ حس جذبه و عنایت امام حسین(ع) به خادمان

اینک به بسط و شرح و تفسیر این درون‌مایه‌های اصلی و فرعی خواهیم پرداخت:

۱- ادراک امر قدسی یا استعلایی و مواجهه با آن

بنا بر نظریه رودلف اتو، فیلسوف و پدیدارشناس ادیان آلمانی، مؤمنان در مواجهه با امر مقدس که معمولاً در ایام مقدس و در اماکن مقدس صورت می‌گیرد، سه حالت و حس ویژه تجربه می‌کنند که عبارتند از: ۱- احساس مخلوقیت یا آگاهی از هیچی، ۲- احساس خشیت در برابر راز هیبت‌ناک و ۳- احساس حیرت و شوق در رسیدن به امر قدسی(اتو، ۱۳۸۰، ۴۸، ۵۱، ۱۱۷). از سوی دیگر، تجربه دینی که اساساً تجربه هر انسانی در ارتباط با امر قدسی است، حامل عناصری کلیدی است که آنها را می‌توان چنین برشمرد: «برخوردار شدن از احوال عرفانی(مهم‌ترین و محوری‌ترین ویژگی تجارب دینی)؛ احساس حضور خداوند یا وجودی روحانی؛

برخوردار شدن از التفات و توجه (لطف و عنایت و رحمت و محبت) از جانب عالم بالا؛ برانگیختگی عاطفی-هیجانی و احساس بهجت و لذت توأم با وقار و هیبت» (آذربایجانی، ۱۳۹۰، ۱۹۹).

بنا بر رأی میرچا الیاده، «هر زمان مقدسی تحقق دوباره یک رویداد مقدس است و شرکت کنندگان در آیین‌های دینی، ظهور اولیه آن زمان مقدس را به تماشا می‌نشینند و بدین‌سان، انسان دین‌دار می‌کوشد تا آن زمان مقدس را دوباره دریابد؛ زمانی که از یک نظرگاه می‌تواند با ابدیت یکی باشد» (الید، ۱۹۵۹: ۷۰-۶۹). از نظر الیاده برای انسان دین‌دار نه تنها زمان، که مکان نیز امری همجنس و یکسان نیست و برخی مکان‌ها از حیث کیفیت با دیگر مکان‌ها تفاوت ماهوی دارند مانند سرزمین طور برای موسی (ع). پس برای انسان دین‌دار، مکان مقدس به مثابه امری ورای تجربه عادی روزمره معتبر است. از نظر وی، «تجربه مکان مقدس دستیابی به یک نقطه ثابت را ممکن می‌کند و از این رو، به دست آوردن رهیافتی در امور بی‌نظم و در نتیجه، ساختن جهان را میسر می‌سازد. در مقابل، تجربه عادی تجانس مکان و نسبیت آن را حفظ می‌کند؛ در نتیجه، هیچ رهیافتی در کار نیست؛ هیچ جهانی در کار نخواهد بود و تنها قطعات یک عالم متشتت وجود دارد که انسان در آن سرگردان است» (الید، ۱۹۵۹: ۲۳).

بر این اساس، تجربه زیسته کنشگران عراقی حاکی از آن است که حضور در زمان قدسی، یعنی اربعین، و مکان قدسی^۲، مانند مسیر پیاده‌روی و طریق الجنه، آنگاه کمال می‌یابد که با خدمت به زائران و تسهیل زیارت آنها توأم گردد. درواقع، محور مواجهه با امر قدسی برای آنها و نیز کارکردهای معنوی و اجتماعی آن در قالب خدمت‌رسانی و پذیرایی از زائران حسینی متجلی شده است. توضیح آنکه، علاوه بر بُعد آیینی و زیارتی‌ای که مناسک زیارت اربعین برای هر زائر دارد و به نحوه ادراک وی از امر قدسی منجر می‌شود، بسیاری از کنشگران عراقی که در موكب‌ها یا مضيف‌ها به زوار خدمت می‌کنند، نفس خدمت‌رسانی به زائران به هر وسیله ممکن را عبادتی می‌دانند که هم‌عرض با اصل زیارت به شمار می‌رود و حتی گاه ارزشی بیش از زیارت صرف را به خود اختصاص می‌دهد. ابوماهر ۴۶ ساله که تجربه سالها خدمت در مواکب اربعینی را دارد، می‌گوید:

«وقتی ما به زائر خدمت کنیم، زائر بیشتر میاد و ما در ثواب زیارت آنها شریک می‌شویم. آنها برای ما دعا می‌کنند پیش امام حسین (ع). امام حسین به زائرش حُبّ داره و خودش به استقبالش میاد و ما به دعای زائرها ثواب زیارت می‌بریم».

از سوی دیگر، همه کنش‌ها و فعالیت‌هایی که در راستای اکرام میهمانان یا زائران صورت می‌گیرد، در نگاه مردم عراق، در متن اصلی زیارت تعریف می‌شود؛ اعم از تهیه و آماده‌سازی مکان استراحت، پخت غذا، تهیه آب آشامیدنی و چای و قهوه و شربت، و حتی خدمات جانبی دیگر مانند ماساژ دادن، شست و شوی لباس، فراهم کردن حمام و هر آنچه موجبات آسایش و راحتی زائرانی می‌شود که مسافتی طولانی را پیاده به زیارت آمده‌اند.

مردم عراق در ایام زیارت اربعین، اوج خدمتگزاری را به نمایش می‌گذارند به‌طوری‌که از نگاه آنان خدمت به زائرالحسین همانند خدمت به خود امام حسین (ع) انگاشته می‌شود و به نوعی همسان‌پنداری در این امر مشهود است. این میزبانان، اتصال معنوی و روحانی با امام حسین (ع) و دیگر شهدای کربلا را منوط به اکرام زائران حسینی می‌دانند و از تجربیات معنوی بسیاری که در نتیجه این نحوه خدمت خالصانه حاصل شده، حکایات بسیاری نقل می‌کنند.

^۱ Eliade

^۲ آیین اربعین حسینی، برخلاف بسیاری از زیارت‌ها، نه تنها آیینی «حرم محور» نیست، بلکه خود مسیر پیاده‌روی که باورمندان آن را «طریق الجنه» می‌خوانند، چه برای زائران و چه برای خادمان، جزء لاینفکی از زیارت است و در واقع، تمام طول مسیر پیاده‌روی برای کنشگران این آیین، مصداق تجربه قدسی زیارت امام حسین (ع) و اتصال معنوی با ایشان است و درواقع باید گفت که این مناسک «طریق محور» است.

گفتیم که محبت و شوق و در عین حال خشیت و به بیان دیگر، احساس بهجت توأم با هیبت از ویژگی‌های مواجهه با امر قدسی و تجربه دینی است و یکی از حالات توصیف شده این کنشگران در طی مناسک اربعینی و خدمت‌رسانی این خشیت و هیبت است. آقای جاسم خزاجی، موکب‌دار اهل کربلا، درباره علت مهمان‌نوازی مردم عراق می‌گوید:

مهمان‌نوازی [مردم عراق به خاطر اینه که] قضیه امام حسین وسطه! چون ما این اعتقاد رو داریم! از بچگی این اعتقاد رو داریم... ما این اعتقاد رو داریم که خونه‌ای که مسافر امام حسین توش نمیره یعنی امام حسین دوستش نداره! ما مجبوریم [زائر ببریم] یعنی از ذات [و ته قلب] خودمون دوست داریم که مسافر ببریم و این کارو بکنیم. ما وظیفه‌مون رو باید اجرا بکنیم واسه امام حسین. باید مهمان نواز باشیم ... تو قضیه امام حسین و تو قضیه اربعین هیچکس نمی‌تونه به عراقیا برسه، چون اینا از ترس و از محبت امام حسینه و نمی‌تونن کاریش بکنن.

ابوعلی نجفی که در ایام اربعین خانواده‌اش را به منزل خویشان می‌فرستد و کل منزل را با تمامی امکاناتش در اختیار زوآر قرار می‌دهد، درباره علت این همه خلوص و پاکبازی در میزبانی می‌گوید:

اینها همه حبّ الحسین است... ما همه چیزمان را در راه حسین می‌دهیم ان شاءالله... زوآرالْحسین برای ما خیلی عزیزند. از بچگی به ما یاد دادند، ... مهمان امام حسین «علی رأسی»-یعنی روی سر جا داره- و ما می‌ترسیم که خوب پذیرایی نکرده باشیم... ما بچه بودیم و زائر می‌آمد در حسینه، پدرم نمی‌نشست کنار سفره و ما هم نباید سر سفره مهمان می‌نشستیم [به جهت ادب و راحت بودن مهمان]. ما از بقیه غذای زائر می‌خوردیم که تبرک بود. ما همه کار می‌کنیم برای زوآر و می‌ترسیم که کار نکرده باشیم [و برای زائر کم گذاشته باشیم]. همه‌اش به خاطر حبّ اباعبدالله است.

۲- خدمت به زائر به مثابه شرافتی بزرگ

مهمان‌نوازی و پذیرایی از مهمان، سنتی دیرینه در فرهنگ عراق و البته اسلام است؛ به گونه‌ای که اگر مهمانی بر عربی وارد شود و او نتواند از مهمان پذیرایی کند، امری بس نکوهیده و تحقیرآمیز است. در تاریخ نیز داستان‌های زیادی در خصوص مهمان‌نوازی عرب‌ها نقل شده است که شاید معروف‌ترین آنها، داستان‌های منتسب به حاتم طائی است. با این همه، بیش از این‌ها، خدمت تام و خالصانه به زائر، آن هم زائر حسینی، و به طور خاص‌تر، زائر اربعین حسینی در این بافتار فرهنگی ملاک و معیار کنش میزبانان عراقی است. از نگاه این کنشگران، زائر خود قداست دارد چون با کاروان اسرای کربلا هم‌نوا شده و در پی بازآفرینی یک رخداد قدسی، یعنی بازگشتن رأس امام به بدن مطهر و دیدار خاندان ایشان است. از این رو، امام حسین(ع)، خود میزبان حقیقی زائر است و میزبانی از مهمان اباعبدالله(ع) همه شرافت آنها به حساب می‌آید. به طور کلی، می‌توان گفت که زیست‌جهان مردم عراق در ایام اربعین، بر مدار نوعی فراموشی خود و احضار دیگری مقدس، و نوعی حس گشودگی به دیگران می‌گردد که خود را در قالب ازخودگذشتگی‌ها و ارائه خدمات بی هیچ چشمداشت به دیگران متجلی می‌سازد.

شرافت به معنای بزرگی، بزرگواری، بزرگ‌مقداری، مجد، رفعت و قدر و نیز به معنای نجابت، اصالت، بزرگواری، بلندقدری و بزرگ مرتبگی است (دهخدا، ذیل مدخل شرافت). این مفهوم در فرهنگ عربی از شأن و جایگاه بس بلندی برخوردار بوده و هست و در گذشته، در بین اعراب، "شریف" عنوان برای هر فردی بوده است که به سبب مفاخر اجدادی خویش از اشخاص عادی برتر شمرده شود. لیکن این مفهوم در ایام اربعین، به نوعی اتّسع و تا حدی تقلیب معنایی یافته و مردم عراق خدمت به زائرین اباعبدالله را بزرگترین شرافت خود می‌دانند.

برخی عراقی‌ها در ایام اربعین خانه‌های خود را خالی کرده و آنها را با تمام امکانات در اختیار زوآر قرار می‌دهند. در مشاهدات میدانی، نگارنده به کرات شاهد نقل روایت‌های شگفت از مهمان‌نوازی ویژه مردم عراق بوده است. بسیار دیده می‌شود که کسی که تمکن مالی ندارد، کفش زائران را تمیز می‌کند یا در موکب‌ها به ماساژ دادن زائران مشغول می‌شود تا به نحوی در این کنش جمعی معنوی مشارکت کند. چه بسا که قبایل و عشایر عراق در ارائه خدمت به زائران از یکدیگر سبقت می‌گیرند و این فرصت چند روزه را غنیمت می‌شمرند تا خود را در شمار خدام‌الحسین بگنجانند. خلوص، سادگی، اکرام و احترام زایدالوصف مهمان مشخصه بارز این میزبانان است که بی روی و ریا خدمت می‌کنند و نه تنها در این خدمت منتی بر کسی نمی‌نهند، بلکه منت دیگران را برای قبول این خدمت می‌پذیرند و این کار را مایه افتخار و شرافت خود می‌دانند.

محمدحسن رحیمیان (۱۳۸۲، ۱۴۹) که سال‌ها در نجف ساکن بوده و در این مراسم شرکت می‌کرده است، در توصیف این مهمان‌نوازی می‌نویسد:

به هنگام ظهر و مغرب، به هر نقطه که می‌رسیدی، حق عبور از آنجا را نداشتی؛ چون مالک و ساکن نخلستان بر سر راه ایستاده بود و زائران را به ضیافت خویش فرا می‌خواند؛ ... و خارج شدن مهمانان را در هنگام ظهر و شب، بدون صرف ناهار یا شام، ننگی بزرگ می‌پنداشت و گاهی که قصد داشتیم تا پاسی از شب به راه خود ادامه دهیم، عربی روستایی جلو می‌آمد و اصرار می‌کرد و اگر نتیجه نمی‌گرفت، تهدید می‌کرد و با شدت و غضب، تفنگ خود را آماده شلیک می‌کرد و می‌گفت: اگر می‌خواهید بروید؛ بروید اما از روی نعل من! نشانه بزرگی و بزرگواری این عرب‌ها، بزرگ‌تر بودن سالن پذیرایی‌شان بود. سالن پذیرایی یا "مُضیف" از نی و شاخه‌های خرما به صورت کانالی با سقف مدور ساخته می‌شد... معمولاً بزرگ خانواده یا عشیره با مهمانان می‌نشست و جوان‌ها پذیرایی می‌کردند و برای پذیرایی، بهترین چیزهای خود را در طبق اخلاص می‌گذاشتند؛ گوسفند می‌کشتند و سرشیر گاومیش و ماست بر سر سفره می‌گذاشتند و برای هر نفر کاسه‌ای روغن حیوانی می‌آوردند و خلاصه، گویی همه زندگی و امکانات آنان وقف امام حسین(ع) و زوآر آن حضرت بود.

بر اساس الگوی فکری این خادمان، نه تنها زیارت و مزور، بلکه شخص زائر نیز در این فضای آیینی از قداست برخوردار است. رایزن فرهنگی ایران در عراق در این باب می‌نویسد:

«...عشایر در کنار رود فرات به کاشت و برداشت برنج و دامداری مشغول هستند و معمولاً از همین دسترنج خود زائران حسینی را اطعام می‌کنند. آنان، اعتقاد عجیبی به مهمانان دارند و گاهی مشاهده شده که گرد خاک پای زائران را به تبرک می‌برند...» (اباذری، ۱۳۸۸، ۱۱۹).

سید تقی موسوی درچه‌ای نیز درباب اوج فداکاری و سخاوت میزبانان عراقی نقل می‌کند که:

«در یکی از این سفرها یک خانم و آقای که با الاغ از مزرعه به کنار جاده آمده بودند، با اصرار زیاد ما را به منزل خود بردند که زندگی فقیرانه‌ای داشتند و با اینکه هوا سرد بود، اتاق خود را در اختیار ما گذاشتند. ما هم بدون این که متوجه شویم شب را خوابیدیم و فردا صبح که بلند شدیم و هوا روشن شد، متوجه شدیم که آن پیرزن و پیرمرد در گوشه‌ای از حیاط در سرما و سوز، شب را به صبح رساندند و معلوم شد که آنها تنها اتاق خود را در اختیار ما گذاشتند» (همو، ۱۳۲).

قدر مسلم اینکه در موسم زیارت اربعین، شرافت نه فقط به عنوان اصلی اخلاقی بلکه به مثابه یک گزاره فرهنگی جدی حائز اهمیت است و میزبانی و اکرام زوآر اربعینی یکی از مصادیق تام و تمام آن به شمار می‌آید. شاهد مدعا آنکه بر روی لباس یا بر سر در موکب بسیاری از خادمان این عبارت را می‌توان دید که: "حُبُّ الْحُسَيْنِ هُوَ يَتَنَا وَ خِدْمَةُ زَوَّارِ الْحُسَيْنِ شَرَفٌ لَنَا" یعنی "محبت به امام حسین (ع) هویت ماست و خدمت به زوآر آن حضرت مایه شرافت برای ماست" و اینجاست که تفاخر عربی به مفاخر اجدادی و نسب

و قبیله و عشیره چنانکه در میان اعراب مرسوم است، جای خود را به گزاره و برساختی جدید تحت عنوان شرافت خدمت به زائرین می‌دهد.

عباس صرّاف، موکبدار عراقی خادم موکب اهالی تورنتو، لذّت خدمت و باور به شفاعت و دستگیری امام حسین(ع) را دلیل این کنش جمعی مردم عراق می‌داند و لذّت خدمت را از زیارت برتر و بالاتر توصیف می‌کند:

:- آقای صرّاف تجربه پیاپی براتون خوشایندتره یا خدمت به زوّار؟

:- خدمت به زوّار خیلی خیلی بهتره! ما هرچی بیشتر زحمت می‌کشیم، بیشتر لذت می‌بریم! همینکه وقتی میبینی زائر تشنه است، ما به شربت سرد به زائری بدیم و دلش رو خنک کنیم، خوشحال میشیم و می‌گیم بلکه اباعبدالله شفاعتش به ما برسه... به خاطر همین به لیوان شربتی که به زائر دادیم.

فضل الله شعبانی، خادم موکب فرهنگی نجف در پاسخ به علت این پذیرایی خالصانه از زائران، می‌گوید:

«این مسئله در خود فرهنگ عربی هست و اینکه مردم عراق، مهمان خیلی دوست دارند و مهمان امام حسین به طور ویژه؛ و غیر از این، روایت زیاد داریم که فضل خدمت به زوّار امام حسین چقدر زیاده و مثلاً چقدر ثواب اخروی داره... از این لحاظ هم هست».

این کنشگران آیینی برای این کنش، وجهی دینی و ادله‌ای روایی برمی‌شمردند که دالّ بر احادیث و روایاتی است مبنی بر کرامت زائر حسینی در سنت شیعی.

مردم عراق در اربعین همه تعلّقات مادی و شئون اجتماعی را کنار می‌گذارند و فقط به عشق امام حسین(ع) به زوّار خدمت می‌کنند و زائر اربعین در نزد آنها از چنان شأن و مقامی برخوردار است که باید به نحو احسن به او خدمت کرد. پیران و بزرگان که در فرهنگ عراق از جایگاه والایی برخوردارند و یا مقامات حکومتی و محلی و یا حتی معلّمان و اساتید دانشگاه و ... در این ایام، فارغ از موقعیت اجتماعی خود، در بیابان نجف به کربلا یا مسیرهای دیگر به زوّار خدمت می‌کنند. خودشان خرما بر دهان زائر می‌گذارند؛ تاول پایش را تیمار می‌کنند؛ پایش را ماساژ می‌دهند؛ بهترین غذایشان را به او می‌خورانند؛ در بهترین مکان خانه‌شان او را اسکان می‌دهند؛ لباس‌های زائر را شسته و تمیز و مرتب تحویلش می‌دهند و نکته شایان عنایت آنکه این خدمات در قالب نذر بازتعریف می‌شود. نذر از نگاه این دین‌داران، کنشی آیینی است و مستلزم نوعی مراوده با امر قدسی در جهت ساماندهی و حلّ مسائل زندگی آنها است.

شاید در پاسخ به چرایی این کنش‌ها بتوان گفت که غالب شرکت‌کنندگان در این مناسک زیارتی، اربعین را با جامعه مهدوی و مقوله‌های مرتبط با آن، از جمله با قرائتی اتوپیایی^۱ توصیف می‌کنند. آرمان‌شهر یا اوتوپیا^۲ مفهومی در فلسفه یونان است به معنی "ناکجاآباد". اندیشه آرمان‌شهری یکی از برجسته‌ترین آراء فلسفی-سیاسی افلاطون است که در رساله جمهوری و سپس در قوانین به تفصیل در باب آن سخن رانده است. بر اساس طرحی که او در دیالوگ جمهوری از آرمان‌شهر توصیف می‌کند، مدینه فاضله با شاخصه‌هایی همچون اشتراک اموال و خانواده، تقسیم اجتماع به سه طبقه خاص، شکل‌گیری شهر و زندگی بر اساس طبیعت و نظام تربیت فضیلت محور بر مبنای نظام فلسفی و متافیزیکی افلاطونی استوار شده است (۱۳۸۰، ۳: ۱۰۹۰، ۱۰۶۱-۱۰۹۱).

^۱ محمد نصرای، پژوهشگر حوزه مطالعات انسان‌شناسی آیینی در کتاب «امید در آستانگی» به واکاوی انسان‌شناختی سه زیارت: سانتیاگو د کامپوستلا، حج و اربعین پرداخته و از نظریات گوناگون همچون؛ هتروتوپای میشل فوکو، آستانگی ویکتور ترنر، و کاریزمای وبر بهره برده است و با ابداع مفهوم لیمنوتوپیا مفهومی نو را در باب هویت زیارت با نظر به مفهوم اتوپیا ابداع کرده است.

^۲ - Utopia

می‌دانیم که فارابی نیز با درک بحران سیاسی زمانه خویش - عصر اول خلافت عباسی - همانند زمانه افلاطون و به شیوه او دریافت کرده بود که به دست دادن راه حلی جامع برای رفع بحران از جهان اسلام، تنها با تأمل نظری میسر است و در طرح تأسیس "مدینه فاضله" تحت تأثیر آرمان شهر افلاطون بود و به عنوان مؤسس "حکمت مدنی" همچون افلاطون، دستگاه فلسفی خویش را وقف تشریح و تبیین مفهوم عدالت و تجلی آن در فرد و اجتماع کرد؛ اندیشه‌ای با محور فلسفه سیاسی و اجتماعی که توماس مور^۱ (۱۵۳۵-۱۴۷۸م) در کتابی با عنوان *توپیا* (۱۵۱۶م) آن را مطرح کرد. در حالی که اتوپیا معمولاً به عنوان آرمانی دست نیافتنی برای بشر تلقی می‌شود، اربعین نشان می‌دهد که چگونه یک اندیشه دینی می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌دهی الگویی عینی از جامعه‌ای انسانی و الهی شود. فضای مناسکی زیارت اربعین از نگاه کنشگران شیعی به مثابه امری میانجی میان فضای عرفی و عادی زندگی روزمره شهری و فضای آرمانشهری تعریف می‌شود. بسیاری از کنشگران اربعین، این آیین را به سبب کیفیت روابط و تعاملات انسانی، تعدد شرکت‌کنندگان، خصایص ممتازی چون اخلاص، ایثار، از خودگذشتگی و ...، مقدمه‌ای برای ظهور موعود می‌دانند. آنها با توصیف شرایط پس از ظهور و تطبیق ویژگی‌های آن با کیفیات موجود در متن این آیین، حضور خود را در جهت پیشبرد مقاصد الهی مُمهّد ظهور حضرت مهدی (عج) تفسیر می‌کنند.

۳- برکت و گشایش فراوان، ثمره میزبانی

«هر کنش دینی به تعبیر دین‌پژوهان، تنها از طریق فهم امور مقدس قابل فهم است» (الیاده، ۱۳۹۵، ۹۵). یکی از کارکردهای اجتماعی دین، تعالی بخشیدن به کیفیت مواجهه انسان با امور مقدس است؛ زیرا امور مقدس همیشه خود را در امور دنیوی و عرفی متجلی می‌کنند و همواره دیالکتیکی قدسی میان امور دنیوی و امر مقدس برقرار است. سویه‌های مادی نیز جزء لاینفک تجربه دینی مردم عراق است.

با آنکه بسیاری از مردم عراق از حیث اقتصادی ضعیف محسوب می‌شوند و به دلیل جنگ و ضربات ناشی از اشغال این کشور و همچنین تبعات تحریم‌های بین‌المللی و جنگ‌های زمان رژیم بعث، اقتصاد آن به شدت تضعیف شده و در شرایط کنونی اغلب مردم عراق در وضعیت نامناسب اقتصادی به سر می‌برند، لیکن سخاوتمندانه امر میزبانی را به بهترین وجه ممکن انجام می‌دهند. در تمام مسیر مشایه این تصاویر و روایات پرتکرارند: مردی که چهار زانو در وسط خیابان نشسته و به نشانه احترام و اوج اکرام مهمان سینی غذا بر سر گرفته و تمنا می‌کند که زائران عابر از آن غذای نذری بردارند؛ و جوانان و کودکانی که سینی غذا و یا نوشیدنی در دست دارند و کسی هم در کنارشان ایستاده و از زائران با خوشامدگویی پذیرایی می‌کند و نذری را از آن سینی برمی‌دارد و به زوآر می‌دهد.

اربعین و میزبانی از زائران در عراق تنها به ده روز از ماه صفر اختصاص ندارد و اغلب شیعیان عراق در تمام طول سال برای اربعین تلاش می‌کنند و بنا به روایت مصاحبه‌شوندگان، صندوقی در هر خانه عراقی است به نام صندوق امام حسین(ع) که بخشی از درآمد خود را در آن صندوق می‌ریزند تا در ایام اربعین برای زوآر امام حسین(ع) هزینه کنند. این صندوق از آن همه اهل خانه است، از پدر و پدربزرگ و مادر و مادر بزرگ تا کودکان و همه در جمع‌آوری پول سهیم‌اند. عراقی‌ها بر این باورند که رزق سال خود را از اکرام زائران و مهمانان امام حسین (ع) می‌گیرند و هرچه خدمت خالصانه‌تر و درخورتری داشته باشند، رزق مادی و معنوی بیشتری نصیبشان خواهد شد.

ابوساعد که سالهاست در موکب اهالی عماره به زائران حسینی خدمت می‌کند، می‌گوید:

¹ - Sir Thomas More

«ما هرچه داریم از آل الله است... از روزی که صندوق امام حسین(ع) در خانه گذاشتیم، برکت به خانواده ما آمده... امام حسین(ع) "رزق من غیر حساب" [=روزی بی حساب] می‌دهد و ما معجزات [زیادی] دیدیم. هر سال پول بیشتری برای موکب خرج می‌کنیم و امام حسین برکت می‌دهد به ما الحمدلله».

فضل الله شعبانی نیز با تأکید بر این سنت در میان مردم عراق می‌گوید:

«برای تهیه و تدارک مراسم اربعین حسینی یا محرم [مردم عراق] همشون صندوق می‌گذارند. این فرهنگ فقط هم در نجف نیست و شهرهای دیگر مثل بصره و ناصریه هم صندوق امام حسین دارند و پول جمع می‌کنند برای اربعین و اول در منطقه خودشان [این مبالغ را] استفاده می‌کنند و بعداً غیر منطقه خودشان و می‌آیند در مشایه هم مصرف می‌کنند پول صندوق را. مثلاً اهل بصره در راه نجف هم یه موکب دیگه می‌زنند یا مثلاً خیمه می‌زنند و خدمت می‌کنند و غذا می‌پزند و پذیرایی می‌کنند».

ام خالد که تقریباً ۴۰ سال داشت و در مسیر مشایه با دیگر زنان خانواده‌اش برای زائران نان می‌پخت، برآورده شدن حاجات مادی و معنوی خود و خانواده‌اش را با خدمت به زائران امام حسین(ع)، به عنوان کنشی قدسی، پیوند زده و می‌گوید:

«ما به عشق سیده زینب (س) نان می‌پزیم اینجا برای زوار... گریه می‌کنیم برای مصائبش و نان می‌پزیم و در خانه‌هایمان زوار می‌بریم و پذیرایی می‌کنیم... هرچه خواسته‌ایم به ما داده، به ما شرافت داده که خدمت کنیم برای زوار برادرش... پسر ما را شفا داده سیده زینب(س). اینها همه‌اش از برکت خدمت به زوار حسینه».

۴- گفتمان هویت اربعینی و تعلیق سلسله مراتب اجتماعی

هرگاه آیین‌ها و مناسک دینی به صورت جمعی انجام گیرند، زمینه‌ساز بسیاری از موازین اخلاقی فردی و اجتماعی خواهند بود، به طوری که افراد با حضور و مشارکت در این گونه آیین‌ها با تحکیم اراده و ایمان خود، احساس تعلق به گروهی بزرگ و همدل را به دست آورده و درون خود تقویت می‌کنند. در یک نگاه کلی باید گفت که همبستگی عاطفی شرکت‌کنندگان، تقویت دین‌داری، ارتقای بینش دینی و نمایش قدرت جامعه دینداران از ویژگی‌ها و کارکردهای آیین اربعین است. همچنین مقولاتی چون وحدت میان شیعه و سنی، وحدت ملی، رشد ارتباطات درون فرهنگی (موکب‌های خانوادگی و عشیره‌ای) و انسجام اجتماعی و نیز پیوندهای میان فرهنگی شیعیان عراق با سایر کشورها از مهم‌ترین کارکردهای اجتماعی مناسک اربعین به شمار می‌رود که سخن پیرامون این موضوع، خود نیازمند تحقیقات درازدامن و مبسوطی تواند بود. نگارنده در این بخش با توجه به کدگذاری‌های انجام شده و مضامین محوری مطروحه در مصاحبه‌ها اشارهٔ مجملی به موارد مذکور می‌نماید.

امروزه «یکی از دلایل افزایش تمایل به زیارت در میان ادیان و مذاهب مختلف، گرایش افراد به جست و جوی هویت ملی و فرهنگی است. در این میان، جهانی شدن با برانگیختن نگرانی افراد و گروه‌ها نسبت به ازدست رفتن تدریجی فرهنگ محلی و هویت شخصی، افراد را به تلاش برای بازیابی این هویت واداشته است و برای بسیاری از مؤمنان، زیارت کردن در عصر مدرن، نمادی از بازگشت به هویت سنتی است» (ریدر^۱، ۲۰۰۷: ۲۱۸-۲۱۷). بر این مبنا، شاید بتوان گفت که یکی از دلایل اقبال گسترده به مناسک اربعین و احیای آن پس از سالها محرومیت‌ها و ممانعت‌ها، در حقیقت بازگشت به هویت شیعی در نزد شیعیان باشد. حرکت عمومی شیعیان عراق، ایران، لبنان، قطیف و احساء در عربستان، پاکستان، افغانستان، اروپا، آمریکا و... برای زیارت اربعین موج جدیدی را در جهان اسلام پدید آورده است و پس از سقوط رژیم بعث و پایان سختگیری بر شیعیان، این زیارت ظهور و بروز قوی‌تری یافته است؛

^۱ Reader

زیارتی که آرام آرام هویت جدید شیعه را در عراق و خاورمیانه و سپس جهان رقم می‌زند؛ هویتی که روح شیعه در آن تجلی پیدا می‌کند و طبعاً آثار و پیامدهای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی گسترده‌ای را رقم خواهد زد.

از دیگر برایندهای اجتماعی مناسک اربعین، گفتمان وحدت و انسجام است. امروزه باید گفت که موکب و مشایه‌های عراقی، بخشی از جامعه‌شدن عراق است؛ زیرا اختلافات عمده قبیله‌ای و قومی و حزبی و ... در آن نقطه و زمان محو می‌شود و واحدی یکدست برمی‌سازد. آیین‌های اربعین با تقویت روح جمعی و ایجاد همگرایی میان آحاد جامعه عراق، آثار اجتماعی پنهان و آشکاری دارد که تغییر در مناسبات انسانی در زمره این آثار است. به عنوان نمونه، نگارنده شاهد حضور موکب زنان کرکوک در کربلا بوده است که جمعیتی‌اند متشکل از همه اقوام عرب، ترکمن و کُرد و نیز اهل سنت و شیعه و از این دست موارد پرتکرار در اربعین با توجه به بافتار موزائیکی عراق در تنوع قومی و مذهبی، نشانگر برساختی همگرا تحت عنوان هویت اربعینی است.

یاسر حمید کربلایی، رئیس موکبی در کربلا، در پاسخ به پرسش از نحوه اداره موکب و ریاست موکب، از گزاره معنایی "عشیره الحسین" یاد می‌کند:

«ما همه برابریم و برادریم اینجا... ما رئیس نداریم. همه خادم امام حسینیم و برای خدمت به زائران آمدیم. همه با هم کار می‌کنیم. در خیمه امام حسین فقیر و غنی معنی ندارد. همه برادری است. عَشیره الحسین فوق العَشیره [یعنی قبیله امام حسین (ع) بالاتر و برتر از هر قبیله و عشیره دیگری است].»

در تحلیل انسان‌شناسانه مناسک اربعین می‌توان گفت که این مناسک در حال ارائه الگوی جدیدی است که در آن فردگرایی^۱ و اصالت فردی که رکن مهم تئوریک در نظام «لیبرال - سرمایه‌داری» است، جای خود را به جمع‌گرایی^۲ و برساخت هویتی جمعی می‌دهد. افزون بر این، در مسیر پیاده‌روی اربعین، با کنشگرانی مواجه هستیم که سایر ابعاد هویتی‌شان چون هویت ملی و حتی مذهبی‌شان استحالته یافته و تحت عنوان هویت نوینی در قالب "زائرالحسین" یا "خادم‌الحسین" رخ می‌نماید. در این فضای آیینی، تعلیق سلسله مراتب اجتماعی را به روشنی می‌توان شاهد بود؛ بدین معنی که سلسله مراتب اجتماعی همچون طبقه اجتماعی، ثروت، مقام، و سایر موقعیت‌های افراد کنار رفته و نوعی احساس همبستگی بی‌قید و شرط بروز و ظهور می‌یابد. در اثر این ساختارشکنی نقش‌های اجتماعی، عناوینی چون عراقی و غیرعراقی، عرب یا عجم، پزشک و مهندس و بیسواد و شیعه و سنی و ایزدی و ارمنی در این آیین از میان برخاسته و آنچه می‌ماند، هویتی برساخته و استعلایی تحت عنوان زائرالحسین یا خادم‌الحسین است. به دیگر بیان، هویت جدیدی که در تجربه زیسته این کنشگران نصبح گرفته است، حول محور عشق و حب امام حسین (ع) و زیارت می‌گردد و همه را در کنار یکدیگر گرد می‌آورد.

امروزه، زیارت اربعین درحقیقت کنشی فعالانه و پویاست که از ابعاد مناسکی صرف فراتر رفته و به بستری برای کنش‌های اجتماعی و سیاسی، بدل شده و از این رو، نشانه و نمادسازی و معناپردازی‌های بسیاری را که دال بر این رویکرد است، می‌توان در سرتاسر متن این مناسک دید. اربعین به مثابه یک پدیده کلان فرهنگی «از متن سوگواری صرف به پدیده‌ای اجتماعی - سیاسی تبدیل شده است؛ هم سنت پیاده‌روی اربعین از موضوع اولیه خود، یعنی سوگواری فاصله گرفته و هم فاعل شناسای امروزی دیگر صرفاً نگاهی سوگوارانه بدان ندارد، بلکه برداشتی سیاسی از آن در نظر دارد. زائر پیاده اربعین در چارچوب تاریخ‌مندی، افق فکری خود را با سنت و ارزش‌های مکنون در این آیین درآمیخته و متناسب با اوضاع زمان تفسیری سیاسی از آن عرضه می‌کند» (کریستیا^۳،

^۱ Individualism

^۲ Collectivism

^۳ Christia

۲۰۱۶: ۱۳۱). شعارهای اربعینی مانند "حب الحسین یجمعنا" و "ایران و العراق لایمکن الفراق"، ضمن تأکید بر حاکمیت سیاسی دو کشور ایران و عراق، بیانگر تعمیق روابط دیپلماتیک دو کشور بوده که به واسطهٔ مناسک اربعینی رخ داده و نیز گویای ارتباطات اجتماعی و فرهنگی گسترده‌ای است که تعاملات میان دو ملت ایجاد نموده است.

اربعین در سالهای اخیر، مجرای برای ارتباطات میان فرهنگی به شمار می‌آید و محور تلاقی افراد از فرهنگ‌های گوناگونی است که گرد هم جمع شوند. روشن است که زبان همواره یکی از مؤلفه‌های هویت‌بخش در عرصهٔ روابط فردی و اجتماعی به شمار می‌رود و از عناصر مقوم در ایجاد هویت قومی و ملی است؛ آن هم دو ملتی که دوگانه‌های عرب و عجم، صفوی و عثمانی و جنگ تحمیلی هشت ساله را از سر گذرانده‌اند و اینک هر دو می‌کوشند زیست‌جهانی توأم با صلح و همگرایی بازآفرینی کنند.

فراملی، فراملیتی و فرادینی بودن این آیین، ظرفیتی برای تعاملات گستردهٔ میان فرهنگی فراهم می‌کند به نحوی که در گردهمایی اربعین از جمله گروه‌های مسلمانان شیعه، مسلمانان سنی، مسیحی، یزدی و دیگر آیین‌ها هم در آن حضور داشته‌اند. بدین ترتیب باید گفت که برگزاری آیین اربعین صرفاً حرکتی شیعی نیست؛ بلکه نقطهٔ عطف وحدت میان همهٔ فرهنگ‌ها است و «آمارها از حضور اتباع بیش از هشتاد کشور جهان در این رویداد عظیم حکایت دارد» (قندی و شکوری ۱۳۹۵، ۱۱۲). در راهپیمایی اربعین، ممکن است برخی زائران چندان مقید به احکام نباشند؛ اما زندگی مؤمنانه و نظمی مؤمنانه را در آن فضای معنوی تجربه می‌کنند که چیزی کاملاً متفاوت از فضای سکولار حاکم بر زیست روزمره است و غالباً می‌خواهند به نحوی با این سبک زندگی قدسی و معنوی نسبتی برقرار کنند. اهل تسنن و حتی از مذاهب دیگر مثل ارتدوکس‌ها و کاتولیک‌های مسیحی نیز در این مراسم مشارکت فعال دارند و این نشان‌دهندهٔ آن است که راهپیمایی اربعین می‌تواند با فرهنگ‌های دیگر نسبت برقرار کند. پدید آمدن شکل نوین و گسترده‌ای از تعاملات اجتماعی، مردمی بودن مناسک زیارت اربعین و از میان رفتن گسست‌های قومی و جنسیتی از جمله مختصات مناسک اربعین است که سبب ماندگاری و گسترش روزافزون آن گشته است.

زیارت اربعین ضمن تربیت معنوی و پاسداشت ارزش‌هایی چون اخلاص و ایثار، همدلی، آرامش، از ویژگی هویت‌آفرین بودن برخوردار است. در کنار هویت شیعی، از هویتی با عنوان "هویت اربعینی" باید نام برد که در خلال آن، شبکه‌ای از تعاملات و روابط اجتماعی و بر ساخت هویتی به ویژه در مواجهه با دو فرهنگ ایرانی و عراقی پدید آمده است.

۵- تعلیق عقلانیت ابزاری در فرآیند کنشگری خدمت

پیشتر گفتیم که از منظر اتو، مقدس یا قدسی، امری متعالی، فراطبیعی و فراعقلانی است و البته باید هشدار داد که عنصر فراعقلانی، هرگز به معنای ضد عقلانی بودن آن نیست و به همین سان، وقتی سخن از تعلیق عقلانیت می‌رود، مراد ساحتی فراتر از عقل معاش و عقلانیت صرف است. به عبارت دیگر، در اینجا کنش‌های دینی و آیینی بر مدار بصیرت عقلی با جنبه‌های شهودی^۱ می‌گردد و نه عقل حسابگر و استدلالی^۲. در این جریان خدمت عظیم آیینی، "دیگری" به جای خویش محوریّت می‌یابد و بخشش و ایثار و گذشتن از خود جلوه می‌کند؛ اصلی که در میان کنشگران عراق به "مواسات"^۳ مشهور است.

^۱ intellect: این خرد تقریباً همان چیزی است که افلاطون آن را «چشم جان» می‌نامید و عارفان مسلمان «چشم دل» می‌خوانند.

^۲ Reason

^۳ مواسات، همچنان که در عربی به معانی متعدّد و متفاوت به کار رفته است، در فارسی نیز معادل‌های مختلف گرفته است که عبارت‌اند از: فداکاری، از خود گذشتگی، نیکخواهی، خیراندیشی، خیرسانی، حمایت، رعایت، به یک چشم دیدن، غمخواری، همدردی، شریک ساختن، و ... (لغت نامه دهخدا، ذیل مدخل)

عقلانیت ابزاری^۱ یا عقلانیت تکنولوژیکی در نگاه فلسفی، تناسب بین هدف و وسایل مادی را نمایندگی می‌کند. یکی از فیلسوفانی که به نقد این عقلانیت در عصر سلطه نظام سرمایه‌داری همت گماشته، هربرت مارکوزه^۲ (۱۸۹۸-۱۹۷۹م)، فیلسوف و جامعه‌شناس آلمانی و از اعضای اصلی مکتب فرانکفورت است که به نقد رسانه‌های جمعی و "صنعت فرهنگ" و سرمایه‌داری سازمان‌یافته و سراپا برنامه‌ریزی شده می‌پردازد. «از نظر مارکوزه، عقلانیت تکنولوژیکی، عقلانیت سلطه و کنترل اجتماعی مشخصه فرهنگ جوامع صنعتی پیشرفته است. عقلانیت فناورانه بر اساس عقلانیت صوری که بر آشکال اساسی‌تر و مملو از ارزش‌های عقلی که جوامع ماقبل صنعتی را متمایز می‌کند، غلبه می‌کند و زندگی روزمره را به یک واقعیت تکنولوژیک تبدیل می‌کند که ادراکات، تجربیات و افکار سوژه را با فراقکنی اشیاء و اشیاء جهان طبیعت به عنوان جهانی از ابزارها دربر می‌گیرد. از نظر مارکوزه، ماحصل چنین سلطه‌ای جامعه‌ای تک‌ساحتی خواهد بود. یک جامعه تک‌ساحتی به کمک فناوری، فرهنگ را از طریق ویژگی مصرف‌کننده بودن که خواهان رضایت یا لذت از کالا است اندازه‌گیری می‌کند. پیامد صنعت فرهنگ، کاهش معنا و ارزش خود زندگی به موضوعاتی پوچ و بی‌ارزش است» (مخلص و دیگران، ۱۴۰۱، ۱۸۹).

در طول مسیر پیاده‌روی اربعین و در زمان برگزاری آیین، افراد زیادی به ارائه خدمات به شکل داوطلبانه بدون هیچ چشمداشت مادی مشغول‌اند. خدمت‌رسانی به زائرین گاه با تهیه و طبخ غذا انجام می‌شود و گاه با برپایی موب و محل استراحت. هیچکدام از این خدمات، در ازای دریافت پول و یا هر پاداش مادی دیگری انجام نمی‌شود و فلسفه این کنشگری دینی را صرفاً با درک جهان‌بینی حاکم بر آن فضای قدسی می‌توان درک کرد. این فضای مناسبی کاملاً در مقابل نگاه تکنولوژیکی و لذت محور قرار گرفته و جهانی از معنا را بازتولید می‌کند که هم زائران و هم خادمان در ایجاد آن به نحوی سهیم‌اند؛ هرچند سهم کنشگران عراقی بسی بیشتر و وسیع‌تر است.

حقیقت آن است که با نگاه مادی‌گرایانه که جهان را با زاویه دید محدود و مضیق عقل استدلالی و حسابگر مشاهده می‌کند، هرگز نمی‌توان کنش‌های خادمان اربعین را تجزیه و تحلیل کرد و اساساً بایستی با معیارها و موازین تعقل جوهری به سراغ فهم این دست رفتارها رفت. در نظرگاه مبتنی بر تعقل جوهری، دریافتن معنای واقعی زندگی اصل و اساس کنش‌های انسانی است. همچنین هر کنش دینی را بر اساس فهم و نحوه ارتباط کنشگران با امر قدسی و استعلایی بایستی ادراک نمود. به عنوان نمونه در مناسک اربعین، غذای نذری ارزش‌ها و باورهای خاصی را برای هر زائر و خادم تداعی می‌کند. چراکه غذای نذری دارای ارزش‌های متعالی است و نه تنها پیوند دهنده میان افراد اجتماع است، بلکه دارای وجاهتی مذهبی است و نقش از پیش تعیین‌شده‌ای را ایفا می‌کند.

در بحث از خوراک آیینی باید دقت داشت که تنها مسئله سیر شدن و لذت بردن از غذا مطرح نیست، بلکه آرزوی رسیدن به چیزی، یا برآورده شدن حاجتی در آن مستتر می‌باشد. بابت این غذا پولی پرداخت نمی‌شود و در اینجا بحث تبادل و دادوستد آنچنانکه در مباحث جامعه‌شناسی مطرح است، نیست و نفس رایگان بودن غذا ارزش تلقی می‌شود. درواقع، دادوستد از نوع رایج اقتصادی ملاک نیست، بلکه برای برآورده شدن آرزویی یا سپاس از برآورده شدن آن آرزو، غذا بین دیگران توزیع می‌گردد، ضمن آنکه تبرک بودن غذا، بخشش و ایثار، باور مذهبی، وابستگی به یک ایدئولوژی و احساس آرامش نیز به ارزش‌های آن اضافه می‌گردد (اطهاری نیک عزم، ۱۴۰۱، ۳۷-۴۰).

^۱ - Instrumental rationality

^۲ - Herbert Marcuse

قدر مسلم آنکه در ایام اربعین، کنشگران عراقی هرگز بر اساس محاسبه سود و زیان مادی به کنشگری و اکرام زائران مهمان نمی‌پردازند و اساساً این بازتولید فرهنگ بخشش و سخاوت را باید ورای طور عقل و بر مدار تجربه امر قدسی و بر مبنای علقه‌های معنوی این کنشگران توصیف کرد. جاسم خزاجی درباره تجربه زیسته خود از خدمت در موکب می‌گوید:

قضیه موکب تو بچگی ماست... یعنی [نقش] پدر و مادر تو اصل قضیه مهم‌تره... قبیله‌ای که در اون زندگی می‌کنی، مهمه که به چه نحوه‌ای شما رو تربیت می‌کنه. این که لباسمون سیاه هست! اینکه باید توی خیمه باشیم یا توی موکب باشیم! باید یه چیزی [ندری] پخش کنیم! تا اینکه ما بزرگ شدیم و با [تجربه‌ای که در کودکی] انجام داده بودیم، فهمیده بودیم که اگه قرار بود یک ریال برای امام حسین خرج بکنی، صد ریال تو جیب می‌ادا! اون کسایی که این رو تجربه کرده بودن، [می‌فهمند که] تنها سودی که واسشون هست، همین قضیه امام حسین و سال به سال ماشاءالله داره خیلی بیشتر می‌شه! مردم دارن می‌جنگن واسه خدمت کردن به زائر امام حسین؛ چون فهمیدن سودش چیه و کارش چیه! غیر از سود و منفعت دنیوی که دنیایی است، [سود] آخرتی هم خیلی چیزهای مهمی توش هست. مردم هم دیدن این سود مادی و معنوی رو.

احمد علی اهل کربلا، جوان سی و چند ساله که در موکب "طفل الرضیع" خدمت می‌کند و پس از سقوط نظام بعث مشغول به خدمت در موکب است، می‌گوید:

«بعضی از مردم ما در اربعین هرچه که دارند، به موکب می‌دهند. هرچه که بتوانند خرج می‌کنند... چون خرج کردن برای اهل بیت و امام حسین(ع)، همش سوده ماشاءالله... سود اصلی اینجاست و ان شاءالله ما سود می‌کنیم. هم سود مادی و هم سود معنوی که بالاتره».

نتیجه‌گیری

یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که پنج درون‌مایه اصلی را به عنوان مؤلفه‌های اساسی علل قداست و اهمیت خدمت کنشگران عراقی به زائران اربعینی می‌توان از خلال مشاهدات میدانی، مصاحبه‌ها و گفت‌وگوهای پراکنده انجام‌شده برشمرد که عبارتند از:

۱- ادراک امر قدسی و مواجهه با آن: از نگاه کنشگران عراقی، اتصال معنوی با امام حسین(ع) به مثابه والاترین تجربه معنوی شیعی در پی اکرام زائران حسینی تحقق یافته و آنها این کنش دینی را در متن زیارت بازتعریف می‌کنند و احساس بهجت و تقرب به امر قدسی و در عین حال، حس خشیت نسبت به آن، یعنی نوعی خوف و رجا را همواره در تجربه دینی خود ساری و جاری می‌بینند.

۲- خدمت به زائران امام حسین به مثابه شرافت: در بافتار آیینی اربعین، زائر و مزور (زیارت‌شونده) در حکم ارکان زیارت، از قداست برخوردارند و زائر به اعتبار آنکه امام حسین(ع) میزبان اوست و نیز به سبب آنکه وی با قبول رنج قدسی به بازآفرینی دوباره تاریخ قدسی (چهل‌مین روز شهادت امام) می‌پردازد، از شأن والایی برخوردار می‌گردد و گزاره فرهنگی اتساع یافته شرافت در پرتو این قداست در کنش دینی خدمت نمود یافته و این کنشگران با باور به شفاعت و دستگیری امام در پی تسهیل امر زیارت برمی‌آیند.

۳- برکت و گشایش زندگی ثمره میزبانی: کنشگران عراقی در پی تکرار تجربه معنوی خدمت به زوار و فهم دیالکتیک امر قدسی و عرفی دریافته‌اند که رزق مادی و معنوی سالانه آنها در ایام قدسی اربعین رقم می‌خورد و ضمن روایت کرامات و رخدادهای معجزه‌وار در طی خدمتشان به زوار، برآورده شدن حاجات مادی و معنوی خود را از مصادیق برکات این خدمت قلمداد می‌کنند.

۴- ظهور گفتمان هویت اربعینی و تعلیق سلسله مراتب اجتماعی: در مناسک فراملی و فراملیتی و فرامذهبی اربعین ابعاد هویتی‌ای چون هویت ملی و مذهبی دینداران استحاله یافته و تحت عنوان هویت نوینی در قالب «زائرالحسین» یا «خادم‌الحسین»

رخ می‌نماید. در این فضای آیینی، سلسله مراتب اجتماعی همچون طبقه اجتماعی، ثروت، مقام، و سایر موقعیت‌های افراد کنار رفته و نوعی احساس همبستگی و انسجام و وحدت بروز و ظهور می‌یابد.

پدید آمدن شکل نوین و گسترده‌ای از تعاملات اجتماعی، پیوندهای میان‌فرهنگی و از میان رفتن گسست‌های قومی و ملیتی و جنسیتی و بر ساخت هویتی با عنوان «هویت اربعینی» به ویژه در مواجهه دو فرهنگ ایرانی و عراقی برآیند مناسک زیارت اربعین تواند بود.

۵- تعلیق عقلانیت ابزاری در کنشگری خدمت: بازتولید فرهنگ بخشش و ایثار(مواسات)، طرد گزاره‌های فرهنگی مبتنی بر عقلانیت تکنولوژیکی، لذت‌محوری و سودگرایی دنیوی و در مقابل تجربه حسّ جذب و عنایت از سوی امر قدسی همگی برآمده از تجربه معنوی کنشگری خدمت در تجربه زیسته کنشگران عراقی است.

در پایان نگارنده اذعان دارد که این مطالعه بر درک و دریافت جامعه محلی عراق از آیین و مناسک اربعین متمرکز بوده است و چه بسا تعمیم‌پذیری یافته‌های این پژوهش نیازمند به طیف وسیعی از پژوهش‌های آتی با محوریت تجربه زیسته زائران ایرانی و غیرایرانی باشد.



شکل (۱): نمودار علل خدمت‌رسانی به زائران در تجربه زیسته کنشگران عراقی

منابع

- اباذری، عبدالرحیم. (۱۳۸۸). نگاهی به پیاده‌روی زائران حسینی، *فصلنامه فرهنگ زیارت*، دوره ۱، صص ۱۰۶-۱۲۵.
- أتو، رودلف. (۱۳۸۰). *مفهوم امر قدسی*، ترجمه همایون همتی، تهران: نقش جهان.
- اطهاری نیک عزم، مرضیه. (۱۴۰۱). کارکرد اجتماعی غذای ایرانی در مراسم آیینی-مذهبی: قدرت، باور، ارزش، *فصلنامه علمی - پژوهشی زبان‌شناسی/اجتماعی*، دوره ۵، شماره ۴، صص ۳۳-۴۱.
- افلاطون. (۱۳۸۰). *دوره کامل آثار افلاطون*. ترجمه محمدحسن لطفی. تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- اکبری، زهرا، احمد حسینی و نعمت الله فاضلی. (۱۳۹۹). تحلیل فرهنگی نسبت میان زیارت و عرفی‌گرایی در جامعه معاصر ایران؛ مطالعه مردم‌نگارانه زیارت امام رضا (ع) از منظر انسان‌شناسی، *اسلام و علوم/اجتماعی*، سال دوازدهم، شماره ۲۳، صص ۷۹-۱۰۶.
- الیاده، میرچا. (۱۳۹۵). *تاریخ اندیشه‌های دینی*، ترجمه بهزاد سالکی، تهران: پارسه.
- آذربایجانی، مسعود. (۱۳۹۰). *روان‌شناسی دین از دیدگاه ویلیام جیمز*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- پالس، دانیل. (۱۳۹۴). *هفت نظریه در باب دین*، ترجمه و نقد محمد عزیز بختیاری، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- پالمر، ریچارد. (۱۴۰۱). *کتاب علم هرمنوتیک*، محمدسعید حنایی کاشانی، تهران: هرمس.
- دیلتای، ویلهلم. (۱۳۸۸). *مقدمه بر علوم انسانی*، ترجمه منوچهر صانعی‌دربیدی، تهران: ققنوس.
- (۱۳۸۹). *تشکل جهان تاریخی در علوم انسانی*، ترجمه منوچهر صانعی‌دربیدی، تهران: ققنوس.
- رحیمیان، محمدحسن. (۱۳۸۲). حدیث رویش، خاطرات و یادداشت‌های حجت‌الاسلام و المسلمین محمدحسن رحیمیان، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- شکرچی، احمد. (۱۳۹۶). میزبانان اربعین در مجموعه مقالات پیاده‌روی اربعین، *تأملات جامعه‌شناختی*. به کوشش محسن حسام مظاهری، اصفهان: آرما.
- قندی، سید محسن، شکوری، میثم. (۱۳۹۵). شهر اربعین (مدینه الاربعین) رهیافتی نو به مفاهیم آرمانشهر شیعی، *مطالعات مسجد و مهدویت*، سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان، صص ۱۰۳-۱۱۶.
- کینگ، ویستون. (۱۳۷۵). *مقاله دین*، کتاب دین‌پژوهی، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- مخلص، شیما و سید محمد نجاتی حسینی و امید علی احمدی. (۱۴۰۱). نظریه فرهنگ و عقلانیت در اندیشه هربرت مارکوزه، *مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل*، دوره ۶، شماره ۱، صص ۱۵۶-۱۹۱.

- Braun, V. & Clarke, V. (2006). "Using thematic analysis in psychology", *Qualitative Research In Psychology*, 3(2): 77-101.
- Christia, F.; Dekeyser, E. & Knox, D. (2016). *To Karbala: surveying religious Shi'a from Iran and Iraq*, Massachusetts, Massachusetts Institute of Technology.
- Eliade, M. (1959). *The sacred and profane*, New York: Harcourt, Brace.
- H. W. Fowler, Della Thompson. (2000). *Pocket Oxford Dictionary*, Oxford University Press.
- Makkreel, Rudolf, A. (1998). 'Dilthey, Wilhelm' in *Routledge Encyclopedia of Philosophy*. Version 1.0. London and New York: Routledge.
- Otto, R. (1923). *The Idea Of The Holy: an inquiry into the non-rational factor in the idea of the divine and its relation to the rational*, Translated by John W. Harvey, Revised with Additions, Oxford University Press, London, Milford.
- Reader, I. (2007). "Pilgrimage growth in the modern world: Meanings and implications". *Religion*, Vol 37.3, 210 - 229.

